



نگاهی گذرا به



اسناد و منابع مکتوب

## خطبه فدک

◀ حسینعلی آذربادگان

## مطلع سخن

خطبه ای که بانوی گرامی اسلام، حضرت فاطمه زهرا(س)، در فاصله زمانی کوتاهی پس از رحلت مصیبت بار پدر بزرگوارشان، در مسجدالنبی (ص) و در حضور بسیاری از انصار و مهاجرین ایراد فرمودند، یکی از اسناد و مدارک تاریخی مهم مربوط به وقایع صدر اسلام، و تحولاتی است که منجر به انزوای کامل امام علی (ع) از صحنه سیاسی-اجتماعی جامعه گردید.

این خطبه که پس از تلاشهای بی نتیجه فاطمه (س) جهت استرداد فدک<sup>۱</sup> ایراد گردید، در حقیقت شکوائیه ای بود که زهرا از وضع زمانه ابراز داشت. او که از وضعیت پیش آمده پس از رحلت پدر ناراضی بود، فدک را بهانه ای جهت اعلام مواضع به حق خود دید و به

۱. فدک از جمله قرا و قصبات حجاز و حوالی خیبر است که با مدینه طیبه دو یا سه روز طی مسافت فاصله دارد که به مقیاس زمان ما به ۱۳۰ کیلومتر می رسد. فدک سرزمینی بوده است آباد و به لحاظ داشتن آب کافی، از نخلستانهای فراوان و محصولات بی شماری برخوردار بوده است.



بیان و شرح دیدگاه‌های خود پیرامون مسائل مهم جامعه پرداخت.

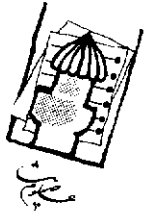
آنچه بیشتر در نظر شیعه حائز اهمیت است، آن قسمت از خطبه است که به شرح وقایع پیش آمده پس از رحلت پیامبر بزرگ اسلام می‌پردازد. این خطبه حاوی مطالب و مسائل عمیق فکری بسیاری است که نشان از آگاهی و معرفت حضرت به موضوعات علمی دارد، اما بخش تاریخی خطبه از نظر شیعه دارای اهمیت بیشتری است. این در حالی است که برخی از اندیشمندان و مورخان اهل سنت، درست به دلیل برداشتن این گونه مباحث، این خطبه را مجعول و ساخته و پرداختهٔ محدثان و مورخان متأخر شیعی مذهب دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

دربارهٔ این خطبه تا به حال کتب زیادی، به خصوص توسط دانشمندان شیعه نگاشته شده است. اما اکثر، بلکه همهٔ این تالیفات و تحقیقات، دربرگیرنده شرح محتوایی خطبه و مباحث مربوط به متن آن است و کمتر به مسائل مربوط به اسناد و رجال خطبه پرداخته شده است.

آنچه هدف اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد، نظری از برون به خطبه، و نگاهی هرچند کوتاه و گذرا به اسناد و منابعی است که به گونه‌ای به این خطبه اشاره و یا آن را نقل نموده‌اند.

این، به خودی خود، باعث می‌شود به نوعی پاسخ شبههٔ مجعول بودن این خطبه نیز داده شود.

مباحث مربوط به اسناد و رجال خطبه، جهت بررسی میزان اعتبار آن ضرورتی است انکارناپذیر، و تحقیق در آن منطقاً مقدم بر پژوهش در محتوای خطبه است، اما به دلیل گستردگی مباحث پیرامونی آن، مجال ورود به این مبحث در این مقاله وجود ندارد؛ لذا این نوشته می‌تواند پیش‌درآمدی بر تحقیقات و پژوهش در اسناد و رجال این خطبه جهت تعیین اعتبار آن باشد. در این مقاله به منابع، اسناد، و طبقات راویان خطبه، به صورتی مختصر و گذرا پرداخته می‌شود.



### الف: منابع خطبه

گزارشهای تاریخی حاکی از آن است که این خطبه در منابع مربوط به نیمه دوم قرن دوم هجری آمده است. لوط بن یحیی، معروف به أبو مخنف ازدی (م ۱۵۷ هـ)، کتابی مستقل به نام خطبه الزهراء (ع) داشته که البته این کتاب از بین رفته است.<sup>۳</sup> همچنین ابوالفرج اصفهانی، از محدثان و مورخان مشهور قرن چهارم هجری، نیز کتابی تحت عنوان کلام فاطمة فی فذک داشته که آن هم چون دیگر آثار مربوط به این واقعه از میان رفته است.<sup>۴</sup> همچنین احمد بن عبدالواحد بن احمد البزاز، معروف به ابن عبدون (۳۳۰-۴۲۳ هـ)، از مشایخ مرحوم نجاشی و شیخ طوسی، کتابی به نام تفسیر خطبة فاطمة الزهراء داشته است.<sup>۵</sup> علاوه بر این سه کتاب مستقل که پیرامون این خطبه به رشته تحریر درآمده و گزارشهای آن به ما رسیده است، بسیاری از محدثان و مورخان اسلامی، تمامی خطبه یا بخشی از آن را، با ذکر سلسله اسناد و رجال آن - یا بدون اسناد، در کتب خود آورده اند و برخی دیگر نیز اشاره ای به وجود این خطبه نموده اند.

ما در این بخش به منابع مکتوبی که هم اکنون در دسترس است و خطبه حضرت در آن وجود دارد، به ترتیب زمانی حیات مؤلفان، اشاره می کنیم. این منابع عبارتند از:

#### ۱- بلاغات النساء، تألیف أحمد بن طیفور

أبو الفضل أحمد بن أبي طاهر، معروف به ابن طیفور، در سال ۲۰۴ هجری در بغداد متولد شد و به سال ۲۸۰ هجری در شام بدرود حیات گفت. تألیف حدود پنجاه کتاب را به او نسبت داده اند. اثر مشهور او تاریخ بغداد و اثر دیگر او المثور و المنظوم است.<sup>۶</sup> این

۳. الذریعة، ج ۷، ص ۲۰۳.

۴. همان، ج ۱۸، ص ۱۰۹.

۵. رجال النجاشی، ص ۸۷؛ ایضاح الاشتباه، ص ۱۰۴؛ أمل الأمل، ج ۲، ص ۲۶؛ الذریعة، ج ۴، ص ۳۴۸.

۶. الاعلام، ج ۱، ص ۱۴۱؛ الذریعة، ج ۲۶، ص ۱۲۵.



طیفور این کتاب را در چهارده جزء تألیف نمود که تنها دو جزء یازدهم و دوازدهم آن باقی مانده و بقیه اجزای آن مفقود گردیده است. بخشی از جزء یازدهم کتاب فوق، به نام بلاغات النساء هم اکنون در دسترس است.

این کتاب که اکنون به صورت مستقل تحت همین عنوان چاپ شده است، حاوی سخنان برخی از زنان اندیشمند و خطبای عرب زبان است. ابن طیفور خطبه حضرت فاطمه (ع) را پس از سخنان عایشه، همسر پیامبر (ص)، ذکر کرده است.<sup>۷</sup> این کتاب از قدیمی ترین منابع مکتوبی است که خطبه حضرت با سلسله اسناد در آن موجود است و هم اکنون در دسترس ما قرار دارد.

## ۲- مختصر بصائر الدرجات، تألیف حسن بن سلیمان حلّی

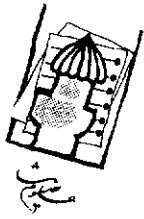
سعد بن عبدالله اشعری قمی از علمای بزرگ و از محدثان جلیل القدر شیعه (م ۳۰۰ هـ)، کتابی به نام بصائر الدرجات را تألیف نمود.<sup>۸</sup> این کتاب که حاوی احادیث اعتقادی و تاریخی در اثبات عقاید شیعه بود، تا قرن هشتم هجری در دست علمای شیعه بوده و بنا به نقل مرحوم مجلسی از کتب مورد اعتماد نزد آنان به شمار می آمده است.<sup>۹</sup> حسن بن سلیمان حلّی که او نیز از علمای شیعه در قرن هشتم بود، بخشی از احادیث کتاب بصائر الدرجات را گزینش کرد و ضمن اضافه نمودن برخی احادیث دیگر به این مجموعه، آن را مختصر بصائر الدرجات نامید. مرحوم حسن بن سلیمان، در ضمن ذکر حدیث مفصلی از امام صادق (ع)، به گونه ای مختصر و گذرا و بدون ذکر اصل خطبه، اشاره ای به محتوای آن نموده است.<sup>۱۰</sup>

۷. بلاغات النساء، ص ۲۶.

۸. مختصر بصائر الدرجات، ص ۶.

۹. بحار الانوار، ج ۱، ص ۷ و ۲۱.

۱۰. مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۵۶.



### ۳- السقیفة و فدک، تألیف أحمد بن عبدالعزیز جوهری

أحمد بن عبدالعزیز از محدثان اهل سنت در قرن دوم هجری است. او مورخ و ادیب و شاعر توانایی بود و در علم حدیث نیز تبحر داشت و از جمله محدثان مشهور آن عصر به شمار می‌آید. کتاب السقیفة و فدک و اخبار الشعراء از جمله تألیفات اوست. جوهری در سال ۳۲۳ هـ در بصره بدرود حیات گفت.<sup>۱۱</sup>

کتاب السقیفة و فدک چنان که از نام آن پیداست، حاوی مطالبی درباره دو واقعه مهم تاریخی صدر اسلام است. این کتاب اکنون موجود نیست، اما ابن ابی الحدید معتزلی در کتاب گرانسنگ خود به نام شرح نهج البلاغه، بخشهایی از این کتاب را نقل نموده است. کتابی که اکنون به نام السقیفة و فدک، از احمد بن عبدالعزیز جوهری، وجود دارد، در اصل مطالب جمع‌آوری شده از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید است. جوهری بخشهایی از خطبه حضرت را به دو طریق با ذکر سلسله اسناد آورده است.<sup>۱۲</sup>

### ۴- مقاتل الطالبیین، تألیف ابوالفرج اصفهانی

گذشت که علی بن الحسین، معروف به ابوالفرج اصفهانی، متوفای ۳۵۶ هـ، کتابی مستقل پیرامون خطبه حضرت نگاشته که حوادث روزگار آن را از بین برده است.<sup>۱۳</sup> ابوالفرج در سال ۲۸۴ هـ در اصفهان زاده شد. او پس از طی مراحل مقدماتی در علوم مختلف چون تاریخ، ادب، شعر، حدیث، و...، شهرت یافت. ابوالفرج دارای آثار و تألیفات بی شماری است که مشهورترین آنها کتاب حجیم و دایرة المعارف گونه الاغانی است که از شهرت بسزایی برخوردار است.<sup>۱۴</sup>

از دیگر آثار او کتاب ذی قیمت مقاتل الطالبیین است. او در این کتاب به ذکر زندگینامه فرزندان

۱۱. الدریمة، ج ۱۲، ص ۲۰۶.

۱۲. السقیفة و فدک، ص ۹۸.

۱۳. الدریمة، ج ۱۸، ص ۱۰۹.

۱۴. الأعلام، ج ۴، ص ۲۷۶.



عبدالمطلب و شهدای طالبی از عصر نبوت تا زمان حیات خود پرداخته است.<sup>۱۵</sup> ابوالفرج در این کتاب اشاره‌ای به صدور این خطبه نموده و در شرح حال زینب کبری (س) نوشته است:

والعقیلة هی الّتی روی ابن عباس عنها کلام فاطمة فی فدک، فقال: حدثنی عقیلتنا زینب بنت علی (ع).<sup>۱۶</sup>

### ۵- شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، تألیف نعمان بن محمد

این کتاب توسط نعمان بن محمد، معروف به قاضی نعمان مغربی، متوفای ۳۶۳هـ و از علمای شیعی اسماعیلی، نگاشته شده است. موضوع کتاب بیان احادیث در فضایل و مناقب ائمه اهل البیت (ع) است.<sup>۱۷</sup> قاضی نعمان، بخشی از خطبه حضرت زهرا را بدون ذکر سند، به صورت مرسل از عبدالله بن سلام از فاطمه زهرا نقل نموده است.<sup>۱۸</sup>

### ۶- من لا یحضره الفقیه، تألیف شیخ صدوق (ره)

محمد بن الحسین، معروف به شیخ صدوق در سال ۳۸۱هـ وفات یافت.<sup>۱۹</sup> مرحوم صدوق یکی از علمای طراز اول جهان تشیع و یکی از ارکان مهم مذهب شیعه است. کتاب من لا یحضره الفقیه که یکی از چهار منبع اصلی حدیث نزد شیعه امامیه به شمار می‌رود، از تألیفات اوست. کتاب من لا یحضره الفقیه، تألیف شیخ صدوق در این کتاب بخشی از خطبه فدک را از حضرت زینب نقل نموده و در آخر نوشته است:

والخطبة طویلة أخذنا منها موضع الحاجة.<sup>۲۰</sup>

۱۵. الذریعة، ج ۲۱، ص ۳۷۶.

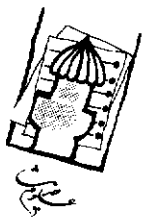
۱۶. مقاتل الطالبيين، ص ۶۰.

۱۷. شرح الاخبار، ج ۱، ص ۷۱.

۱۸. همان، ج ۳، ص ۳۴، ح ۱۷۴.

۱۹. الأعلام، ج ۱۸، ص ۲۷۴.

۲۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۲، ح ۱۷۵۴.



#### ۷- علل الشرائع، تألیف مرحوم صدوق (ره)

مرحوم صدوق در حوزه تألیف و تصنیف یکی از پرکارترین عالمان شیعه است. کتاب علل الشرائع که از زاویه فلسفه احکام به احادیث نظر افکنده است، از جمله مصنفات او به شمار می‌رود. شیخ در این کتاب، آن مقدار از خطبه را که در کتاب من لا یحضر آورده بود، با دو سند مختلف دیگر ذکر کرده است.<sup>۲۱</sup>

#### ۸- المناقب، تألیف احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی، متوفای ۴۱۰ هـ

این کتاب هم اکنون مفقود است. اسعد بن شقروه، متوفای ۶۳۵ هـ، در کتاب خود به نام الفائق، خطبه حضرت را از این کتاب نقل نموده است. اکنون کتاب فوق‌الذکر نیز وجود ندارد، اما سید بن طاووس در کتاب الطرائف، خطبه فدک را از کتاب الفائق نقل نموده است.<sup>۲۲</sup> بنابراین، کتابی که هم اکنون تحت عنوان المناقب ابن مردویه منتشر شده است، در حقیقت احادیثی است که مرحوم سید بن طاووس در کتاب الطرائف خود از کتاب الفائق، از کتاب المناقب نقل نموده است.

#### ۹- نثر الدرر، تألیف منصور بن حسین رازی

منصور بن حسین رازی، معروف به ابو سعید آبی وزیر، یکی از علمای شیعی مذهب و از اهالی ری بود. او از ادبا و دانشمندان قرن پنجم هجری است که مدتی وزارت مجد الدوله رستم بن فخرالدوله را عهده دار بود.<sup>۲۳</sup> از مصنفات او کتاب هفت جلدی نثر الدرر است که البته به نام نثر الدر چاپ شده و معروف است. نزهة الأديب و التاريخ از دیگر آثار او به شمار می‌رود.

۲۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲۲. الطرائف، ص ۲۶۳، ح ۳۶۸.

۲۳. الاعلام، ج ۷، ص ۲۸۹.



کتاب نثر الدرر حاوی بخش زیادی از خطبه حضرت است، که متأسفانه بدون ذکر سند آمده است. ۲۴

### ۱۰ - الشافی فی الإمامة، تألیف مرحوم سید مرتضی

علی بن الحسین موسوی، معروف به سید مرتضی، یکی از ارجمندترین و بزرگ‌ترین مصنفان و از قدمای دانشمندان شیعه امامیه به شمار می‌رود. او در موضوعات مختلف از قبیل فقه، حدیث، اصول فقه و تاریخ، صاحب تألیف و تصنیف است. ۲۵

کتاب الشافی فی الإمامة چنان که از نام آن پیداست، در بیان احادیث مربوط به مسئله امامت و از جمله تألیفات هم این دانشمند شیعه به شمار می‌آید. مرحوم سید مرتضی بخشی از خطبه فدک را به سه طریق از استادش ابو عبدالله مرزبانی نقل نموده است. ۲۶

### ۱۱ - دلائل الامامة، تألیف محمد بن جریر طبری

باید توجه داشت که علی رغم تشابه اسمی و اشتراك در آبا و اجداد و حتی اشتراك در کنیه، این محمد بن جریر، غیر از محمد بن جریر مشهور، صاحب تفسیر و تاریخ، است. همچنین این شخص، کسی غیر از محمد بن جریر شیعی، صاحب کتاب المُسْتَرَشِدُ فی الإمامة است. این شخص معروف به طبری صغیر در مقابل طبری کبیر است که به صاحب تفسیر و تاریخ اطلاق می‌شود. او از علمای قرن پنجم هجری به شمار می‌آید. ۲۷

مفصل‌ترین متن موجود و متنی که بیشتر علمای متأخر و معاصران از آن بهره جسته‌اند، متن خطبه حضرت در این کتاب است. مرحوم طبری این خطبه را به سه طریق مختلف با ذکر سلسله اسناد آن آورده است. ۲۸

۲۴. نثر الدرر، ج ۴، ص ۸.

۲۵. الاعلام، ج ۴، ص ۲۷۸.

۲۶. الشافی فی الإمامة، ج ۴، ص ۷۱.

۲۷. دلائل الامامة، ج ۴، ص ۷۱.

۲۸. همان، ص ۱۱۱.





## ۱۲- مقتل الحسين (ع)، تألیف موفق بن احمد مکی

موفق بن احمد، مشهور به خطیب خوارزمی، متوفای ۵۶۸ هـ است. او در این کتاب بخشی از خطبه را به نقل از عایشه ذکر کرده است.<sup>۲۹</sup>

## ۱۳- الاحتجاج، تألیف ابو منصور طبرسی

احمد بن علی بن ابی طالب، مشهور به ابو منصور طبرسی، یکی از علمای شیعه و از محدثان و مؤلفان قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است. کتاب الاحتجاج که مشتمل است بر احتجاجات پیامبر (ص) و ائمه (ع) و بعضی از صحابه و برخی از علمای اسلام با مخالفین خود، یکی از تألیفات اوست.<sup>۳۰</sup> متأسفانه احادیث این کتاب به غیر از آنچه از تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) نقل شده، به صورت مرسل و بدون سند است. مرحوم طبرسی این خطبه را به صورت مشروح از عبدالله بن حسن نقل نموده است.<sup>۳۱</sup>

## ۱۴- منال الطالب في شرح طوَال الغرائب، تألیف مبارک بن محمد الجزری

این دانشمند به ابن اثیر معروف است و به سال ۶۰۶ هجری وفات یافته است. ابن اثیر در این کتاب، خطبه حضرت را مفصل و با شرح لغات آن، در فصل احادیث الصحابیات، به صورت مرسل از زینب کبری، دختر امیر مومنان (ع)، نقل نموده است.<sup>۳۲</sup>

## ۱۵- تذکرة الخواص من الأمة في ذکر مناقب الأئمة، تألیف سبط ابن الجوزی

ابو مظفر یوسف بن قزغلی بن عبدالله، معروف به سبط ابن جوزی حنفی، این کتاب

۲۹. مقتل الحسين، ص ۱۲۱، ح ۵۹.

۳۰. الاحتجاج، ج ۱، ص ۵.

۳۱. همان، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳۲. منال الطالب، ص ۵۰۱-۵۰۷.



را در خصوص ذکر مناقب و فضایل ائمه اهل البيت به رشته تحریر درآورده است. ابن جوزی بخش مختصری از خطبه فدك را به صورت مرسل از شعبی نقل نموده است.<sup>۳۳</sup> وی در سال ۶۵۴هـ بدرود حیات گفته است.

#### ۱۶ - شرح نهج البلاغه، تألیف ابن ابی الحدید معتزلی

این کتاب که یک دوره کامل تفسیر و شرح سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه است، از شروح معتبر و قابل استفاده به شمار می رود و حاوی اطلاعات تاریخی مفیدی است. ابن ابی الحدید این خطبه را از کتاب السقیفة و فدك جوهری نقل نموده است.<sup>۳۴</sup>

#### ۱۷ - شرح نهج البلاغه، اثر علی بن میثم بحرانی

ابن میثم بحرانی، متوفای ۶۷۹هـ، بخش کوتاهی از خطبه را بدون ذکر سند آورده است.<sup>۳۵</sup>

#### ۱۸ - كشف الغمّة في معرفة الأئمة، اثر علی بن عیسیٰ اربلی

علامه ابوالحسن علی بن عیسیٰ بن ابوالفتح اربلی، از علمای شیعه امامیه به شمار می رود. او این خطبه را از کتاب السقیفة و فدك جوهری نقل نموده است.<sup>۳۶</sup>

#### ۱۹ - معادن الحكمة في مكاتیب الأئمة، تألیف علم الهدی بن فیض کاشانی

مؤلف در این اثر نامه ها و رساله های ائمه را جمع آوری نموده است. علم الهدی بخشی از خطبه را بدون ذکر سند آورده است.<sup>۳۷</sup>

۳۳. تذكرة الخواص، ص ۳۱۷.

۳۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۶۳.

۳۵. شرح نهج البلاغه، بحرانی، ج ۵، ص ۱۰۱.

۳۶. كشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۵۴.

۳۷. معادن الحكمة، ج ۱، ص ۳۸۴.



جدا از مصادر و منابع فوق، عده‌ای دیگر از علمای ادب و حدیث در ضمن شرح لغات به صدور این خطبه از حضرت اشاره نموده‌اند. این افراد عبارتند از:

۱- خلیل بن احمد الفراهیدی، متوفای ۱۷۵ هجری ق. او در کتاب العین می‌نویسد:

و فی الحدیث: جائت فاطمة إلی ابی بکر فی لَمِیمةٍ من حفدها و نساء قومها. ۳۸

۲- جارالله محمد بن عمر الزمخشری، متوفای ۵۳۸ هجری ق، در کتاب الفائق در مادة «اللَمَة» می‌نویسد:

و فی حدیث فاطمة إنها خرجت فی لَمَةٍ من نساءها تتوسطاً ذیلها حتی دخلت علی ابی بکر. ۳۹

۳- ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن الجوزی، متوفای ۵۹۷ هجری ق، در کتاب غریب الحدیث نوشته است:

و فی الحدیث: أن فاطمة خرجت فی لَمَةٍ من نساءها إلی ابی بکر فعاتبته، ای فی جماعة، و قیل من الثلاث إلی العشر. ۴۰

۴- مبارک بن محمد جزری، معروف به ابن اثیر، متوفای ۵۶ هجری، در کتاب النهایة فی غریب الحدیث به شرح لغات و اصطلاحات برخی از احادیث پرداخته، و به این مناسبت در مادة «لَمَة» به بخش کوتاهی از خطبه اشاره نموده است. ۴۱

۵- ابوالفضل جمال الدین بن منظور، متوفای ۷۱۱ هجری ق، در کتاب لسان العرب به این خطبه اشاره کرده است. ۴۲

از میان این مصادر، برخی از منابع دست اول و بخشی نیز از منابع متاخر و دست دوم

۳۸. العین، ج ۳، ص ۶۵۳.

۳۹. الفائق، ج ۲، ص ۲۱۲.

۴۰. غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۳.

۴۱. النهایة فی غریب الحدیث، ج ۴، ص ۲۷۳.

۴۲. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۴.



به شمار می روند. در میان مؤلفان فوق الذکر، ده نفر شیعه و دوازده نفر از اهل سنت اند. قدیمی ترین کتابی که خطبه در آن آمده، کتاب بلاغات النساء ابن ابی طیفور است.

### ب: اسناد خطبه

اسناد و رجال این خطبه در منابع مزبور عبارتند از:

#### سند اول:

قال احمد بن طيفور:

حدَّثني جعفر بن محمد رجل من ديار مصر لقيته بالرافقه، قال: حدَّثني أبي، قال: اخبرنا موسى بن عيسى، قال: اخبرنا عبد الله بن يونس، قال: اخبرنا جعفر الاحمر، عن زيد بن علي رحمة الله عليه، عن عمته زينب بنت الحسين (ع) قالت: ...

#### سند دوم:

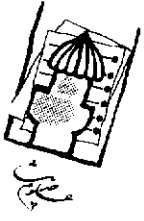
قال احمد بن طيفور: *پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

ذكرت لابی الحسين زيد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب (صلوات الله عليهم) كلام فاطمة ... فقال لي: ... رواه مشايخ الشيعة و تدارسوه بينهم، و قد حدث به الحسن بن علوان، عن عطية العوفى، انه سمع عبد الله بن الحسن يذكره عن ابيه ...

#### سند سوم:

قال احمد بن طيفور:

ذكرت لابی الحسين زيد بن علي بن الحسين (بن زيد بن علي بن الحسين) بن علي بن أبي طالب، كلام فاطمة عند منع أبي بكر إياها فدك ... فقال لي: رأيت آل أبي



طالب يروونه عن آبائهم و يُعلّمونه ابنائهم، و قد حدّثني أبي، عن جدّي يبلغ عن فاطمة هذه الحكاية .

### سند چهارم:

قال ابن أبي الحديد:

قال أبو بكر: حدّثني محمد بن زكريا، قال: حدّثني جعفر بن محمد بن عمارة الكندي، قال: حدّثني أبي، عن الحسين بن صالح بن حيّ، قال: حدّثني رجلاً من بني هاشم، عن زينب بنت علي بن أبي طالب (ع) ... .

### سند پنجم:

قال ابن أبي الحديد:

قال أبو بكر: و حدّثني أحمد بن محمد بن يزيد، عن عبد الله بن محمد بن سليمان، عن أبيه، عن عبد الله بن الحسن بن الحسن، قالوا جميعاً: ... .

### سند ششم:

قال ابن أبي الحديد:

قال أبو بكر: و حدّثني عثمان بن عمران العجفي، عن نائل بن نجيج، عن عمرو بن شمر، عن جابر الجعفي، عن أبي جعفر محمد بن علي (ع) ... .

### سند هفتم:

قال ابن أبي الحديد:

قال أبو بكر: حدّثني محمد بن زكريا، قال: حدّثني جعفر بن محمد بن عماره، قال: حدّثني أبي، عن الحسين بن صالح بن حيّ، قال: قال جعفر بن محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه (ع) ... .



٤٠

سند هشتم:

قال أبو جعفر الصدوق:

روى عن اسماعيل بن مهران، عن احمد بن محمد بن جابر، عن زينب بنت علي (ع)، قالت: ... .

سند نهم:

قال أبو جعفر الصدوق:

اخبرني علي بن حاتم، قال: حدثنا محمد بن اسلم، قال: حدثني عبد الجليل الباقلاني، قال: حدثني الحسن بن موسى الخشاب، حدثني عبدالله بن محمد العلوي، عن رجال من أهل بيته، عن زينب بنت علي (ع)، عن فاطمه (ع) ... .

سند دهم:

قال أبو جعفر الصدوق:

واخبرني علي بن حاتم أيضاً، قال: حدثني محمد بن ابي عمير، قال: حدثني محمد بن عمارة، قال: حدثني محمد بن ابراهيم المصري، قال: حدثني هارون بن يحيى الناشب، قال: حدثنا عبيدالله بن موسى العبسي، عن عبيدالله بن موسى العمري، عن حفص الاحمر، عن زيد بن علي، عن عمته زينب بنت علي، عن فاطمه (ع) ... .

سند يازدهم:

قال السيد بن طاووس:

ما ذكره الشيخ اسعد بن سقروه، في كتاب الفائق عن الاربعة، عن الشيخ المعظم عندهم الحافظ الثقة بينهم، ابوبكر احمد بن موسى بن مردويه اصفهاني، في كتاب المناقب، قال: اخبرنا اسحاق بن عبدالله بن ابراهيم، قال: حدثنا احمد



► ٦١

بن عبید بن ناصح النحوی، قال: حدثنا الزیادی محمد بن زیاد، قال: حدثنا شرقی بن قطامی، عن صالح بن کیسان، عن الزهري، عن عروه، عن عائشه إنها قالت: ... .

**سند دوازدهم:**

قال السيد المرتضى:

اخبرنا ابو عبدالله محمد بن عمران المرزبانی، قال: حدثني محمد بن احمد الكاتب، حدثنا احمد بن عبید بن ناصح النحوی، قال: حدثنا الزیادی، قال: حدثنا الشرقی بن القطامی، عن محمد بن اسحاق، قال: حدثنا صالح بن کیسان، عن عروه، عن عائشه، قالت: ... .

**سند سیزدهم:**

قال السيد المرتضى:

و اخبرنا ابو عبدالله المرزبانی، قال: حدثني علي بن هارون، قال: اخبرني عبدالله بن احمد بن ابی طاهر، عن ابيه، قال: ذكرت لابی الحسين زيد بن (علي بن الحسين بن زيد بن) علي بن الحسين بن زيد بن علي كلام فاطمه ... و قد حدث به الحسين بن علوان، عن عطيه العوفی، انه سمع عبدالله بن الحسن يذكر عن ابيه هذا.

**سند چهاردهم:**

قال السيد المرتضى:

قال المرزبانی: و حدثنا ابوبكر احمد بن محمد المكي، قال: حدثنا ابو العیناء محمد بن القاسم السیما می قال: حدثنا ابن عائشة ... .



### سند پانزدهم:

قال الخطيب الخوارزمي:

و بهذا الاسناد [و الاسناد هكذا: اخبرني شهاب الاسلام ابوالنجيب سعد بن عبد الله الهمداني - فيما كتب إلى من همدان - اخبرني الحافظ سليمان بن ابراهيم - فيما كتب إلى من اصبهان سنة ثمان و ثمانين و اربعمائة -] عن الحافظ ابي بكر هذا، اخبرنا عبد الله بن اسحاق، اخبرنا محمد بن زياد، اخبرنا شرفي بن قطامي، عن صالح بن كيسان، عن الزهري، عن عروة، عن عائشة، أنها قالت: ... .

### سند شانزدهم:

قال أبو جعفر الطبري:

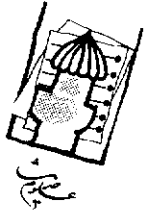
حدثني ابوالفضل محمد بن عبد الله، قال: حدثنا ابوالعباس احمد بن محمد بن سعيد الهمداني، قال: حدثنا احمد بن محمد بن عثمان بن سعيد الهمداني، قال: احمد بن محمد بن عثمان بن سعيد الزيات، قال: حدثنا محمد بن الحسين القصباني، قال: حدثنا احمد بن محمد بن ابي نصر البزنطي السكوني، عن ابان بن عثمان الاحمر، عن عكرمة، عن ابن عباس، قال: ... .

### سند هفدهم:

قال أبو جعفر الطبري:

حدثني القاضي ابواسحاق ابراهيم بن مخلد، قال: حدثني ام الفضل خديجه بنت محمد بن احمد بن ابي الثلج، قالت: حدثنا العباس بن بكار، قال: حدثنا حرب بن ميمون، عن زيد بن علي، عن آياته (ع) قالوا ... .





سند هجدهم:

قال أبو جعفر الطبري:

اخبرني ابوالحسين محمد بن هارون بن موسى التلعكبري، قال: حدثنا ابي، قال: قال ابو العباس احمد بن محمد بن سعيد الهمداني، قال: حدثني محمد بن المفضل بن ابراهيم بن المفضل بن ابراهيم بن قيس الاشعري، قال: حدثنا علي بن حسان، عن عمه عبدالرحمان بن كثير، عن ابي عبدالله جعفر بن محمد (ع) عن ابيه، عن جده علي بن الحسين (ع)، عن عمته زينب بنت امير المؤمنين علي بن ابي طالب (ع)، قالت: ... .

سند نوزدهم:

قال أبو جعفر الطبري:

قال ابو العباس: حدثنا محمد بن المفضل بن ابراهيم الاشعري، قال: حدثني ابي، قال: حدثنا احمد بن محمد بن عمرو بن عثمان الجعفي، قال: حدثني ابي، عن جعفر بن محمد، عن ابيه، عن جده علي بن الحسين، عن عمته زينب بنت امير المؤمنين علي بن ابي طالب (ع) ... .

سند بيستم:

قال أبو جعفر الطبري:

حدثني القاضي ابو اسحاق ابراهيم بن مخلد بن جعفر (بن مخلد) بن سهل بن حمران الدقاق، قال: حدثني ام الفضل خديجة بنت محمد بن احمد بن ابي الثلج، قالت: حدثنا ابو عبدالله محمد بن احمد الصفواني، قال: حدثنا ابو احمد عبدالعزيز بن يحيى الجلودي البصري، قال: حدثنا محمد بن زكريا، قال: حدثنا جعفر (بن محمد) بن عمارة الكندي، قال: حدثني ابي، عن الحسن بن صالح بن حي - قال: و مارات عيناى مثله - حدثني رجلان من بنى هاشم، عن زينب بنت علي (ع) قالت: ... .



سند بیست و یکم:

قال ابو جعفر الطبری :

حدثني ابو اسحاق ابراهيم بن مخلد، قال : حدثني ام الفضل خديجه بنت محمد، قالت : قال الصفواني : حدثني محمد بن محمد بن يزيد مولى بنى هاشم، قال : حدثني عبدالله بن محمد بن سليمان، عن عبدالله بن الحسن بن الحسن، عن جماعة من اهله ... .

سند بیست و دوم:

قال ابو جعفر الطبری :

حدثني ابو اسحاق ابراهيم بن مخلد، قال : حدثني ام الفضل خديجة بنت محمد قالت : قال الصفواني : حدثني ابي، عن عثمان، قال : حدثنا نائل بن نجيع، عن عمرو بن شمر، عن جابر الجعفي، عن ابي جعفر محمد بن علي الباقر (ع) ... .

سند بیست و سوم:

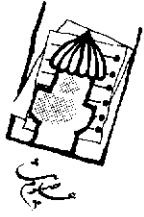
قال ابو جعفر الطبری :

حدثني القاضي ابو اسحاق ابراهيم بن مخلد بن جعفر بن حمران الدقاق، قال : حدثني ام الفضل خديجة بنت محمد بن احمد بن ابي الثلج، قالت : حدثنا ابو عبدالله محمد بن احمد الصفواني، قال : حدثنا ابن عاتشة ... .

سند بیست و چهارم:

قال ابو جعفر الطبری :

حدثني القاضي ابو اسحاق ابراهيم بن مخلد بن جعفر بن سهل بن حمران الدقاق، قال : حدثني ام الفضل خديجة بنت محمد بن احمد بن ابي الثلج، قالت : حدثنا ابو عبدالله محمد بن احمد الصفواني، قال : حدثنا عبدالله بن



الضحاک، قال: حدثنا هشام بن محمد، عن ابيه ... .

سند بیست و پنجم:

قال أبو جعفر الطبری:

حدثني القاضي أبو اسحاق ابراهيم بن مخلد بن جعفر بن سهل بن حمران الدقاق، قال: حدثني أم الفضل خديجة بنت محمد بن أحمد بن أبي الثلج، قالت: حدثنا أبو عبدالله محمد بن أحمد الصفواني، قال: حدثنا عبدالله بن الضحاک، قال: حدثنا هشام بن محمد، عن عوانة ... .

### ج: طبقات راویان خطبه

خطبه فدک توسط ۹۲ راوی با ۲۵ طریق مختلف نقل شده است. راویان این خطبه در یازده طبقه جای دارند. اسامی و طبقات آنها به شرح زیر است:

#### طبقه اول:

۱- حسین بن علی بن ابی طالب - علیه السلام - (م ۶۰ هـ)

۲- زینب بنت علی بن ابی طالب - علیه السلام - (م ۶۲ هـ)

۳- عبدالله بن عباس (م ۶۸ هـ)

۴- عائشة بنت ابی بکر (م ۵۸ هـ)

#### طبقه دوم:

۱- علی بن حسین مشهور به زین العابدین و امام العارفین - علیه السلام - (م ۹۵ هـ)

۲- حسن بن حسن بن علی، از فرزندان امام حسن مجتبی و یکی از بزرگان طالبین در

زمان خود (م ۹۷ هـ)

۳- زینب بنت الحسین (ع)، همسر حسن بن حسن



۴- عكرمة بن عبدالله بن موسى بن عباس (م ۱۰۴هـ)

۵- عروة بن زبير بن عوام (م ۹۳هـ)

### طبقه سوم:

۱- امام محمد باقر - عليه السلام - (م ۱۱۴هـ)

۲- جابر بن يزيد جعفی، از اصحاب امام باقر و امام جعفر صادق - عليهما السلام - (م ۱۲۸هـ)

۳- زيد بن علی بن حسین، معروف به زيد شهيد (م ۱۲۱هـ)

۴- عطية بن سعد بن جنادة العوفی، معروف به عطية العوفی (م ۱۱۱هـ)

۵- عبدالرحمان بن كثير هاشمی (م ۱۲۰هـ)

۶- محمد بن مسلم بن عبيدالله، معروف به زهری (م ۱۲۴هـ)

۷- صالح بن كيسان (م ۱۴۰هـ)

### طبقه چهارم:

۱- امام جعفر صادق - عليه السلام - (م ۱۴۸هـ)

۲- عبدالله بن حسن بن حسن (م ۴۵هـ) طاعات فریبنی

۳- أبان بن تغلب (م ۱۴۱هـ) زمین جامع علوم انسانی

۴- عبدالله بن محمد العلوی (م ۱۴۵هـ)

۵- محمد بن سائب کلبی (م ۱۴۶هـ)

۶- الشرقي بن قطامي (م ۱۵۸هـ)

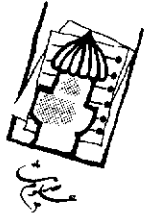
۷- محمد بن اسحاق بن يسار، صاحب المغازی (م ۱۵۱هـ)

۸- عوانة بن الحكم بن عياض، ابوالحکم (م ۱۵۸هـ)

۹- عمرو بن شمر بن يزيد الجعفی (زنده در سال ۱۶۰هـ)

۱۰- حرب بن ميمون الانصاری، أبو الخطاب البصري (م حدود ۱۶۰هـ)

۱۱- حسن بن صالح بن حى (م ۱۶۸هـ)



## طبقه پنجم:

- ۱- أبان بن عثمان الاحمر (م ۱۸۲ هـ)
- ۲- حسين بن زيد بن علي (م ۱۹۰ هـ)
- ۳- جعفر بن زياد الاحمر (م ۱۷۵ هـ)
- ۴- عبيدالله بن موسى العمري (م ۱۷۵ هـ)
- ۵- موسى بن عيسى العباس الهاشمي (م ۱۸۳ هـ)
- ۶- حسين بن علوان الكلبي (م ق ۲ هـ)
- ۷- علي بن حسان بن كثير الهاشمي
- ۸- محمد بن عمرو بن عثمان الجعفي (ق ۲ هـ)
- ۹- عبدالله بن يونس
- ۱۰- نائل بن نجيج، أبو سهل البصري

## طبقه ششم:

- ۱- احمد بن محمد بن ابى نصر بزنى (م ۲۲۱ هـ)
- ۲- محمد بن ابى عمير (م ۲۱۷ هـ)
- ۳- اسماعيل بن مهران (م ۲۲۰ هـ)
- ۴- محمد بن عمارة
- ۵- عباس بن بكار الضبى (م ۲۲۲ هـ)
- ۶- عبيدالله بن محمد، معروف بن ابن عائشة (م ۲۲۸ هـ)
- ۷- عبيدالله بن موسى العيسى (م ۲۲۱ هـ)
- ۸- عبدالله بن الضحاك (م ۲۰۶ هـ)
- ۹- محمد بن حسين القصباني (م ۲۲۱ هـ)
- ۱۰- محمد بن زياد الزيادى (ق سوم)
- ۱۱- محمد بن سليمان
- ۱۲- هشام بن محمد (م ۲۰۶ هـ)



### طبقه هفتم:

- ١ - حسن بن موسى الخشاب (م ٢٦٠ هـ)
- ٢ - محمد بن خالد البرقي
- ٣ - يحيى بن حسين بن زيد (م ٢٣٧ هـ)
- ٤ - محمد بن اسلم (٢٧٠ هـ)
- ٥ - زيد بن علي بن حسين بن زيد (٢٧٠ هـ)
- ٦ - جعفر بن محمد بن عمارة
- ٧ - عبد الجليل الباقلائي
- ٨ - جعفر بن محمد (٢٥٠ هـ)
- ٩ - مفضل بن ابراهيم الاشعري
- ١٠ - عثمان بن عمران العجيفي

### طبقه هشتم:

- ١ - احمد بن ابى عبدالله البرقي (م ٢٧٤ هـ)
- ٢ - احمد بن عبيد بن ناصح نحوي (م ٢٧٣ هـ)
- ٣ - محمد بن مفضل بن ابراهيم الاشعري
- ٤ - محمد بن زكريا البصري (م ٢٩٨ هـ)
- ٥ - احمد بن ابى طاهر، معروف به ابن طيفور (م ٢٨٠ هـ)
- ٦ - عبدالله بن محمد بن سليمان
- ٧ - محمد بن قاسم السيمامي (٢٨٢ هـ)
- ٨ - سليمان بن ابراهيم (م ٢٨٨ هـ)
- ٩ - احمد بن محمد بن عثمان بن سعيد الزيات

### طبقه نهم:

- ١ - علي بن حسين السعد آبادي



- ٢- محمد بن احمد بن محمد كاتب (م ٣٢٢ هـ)
- ٣- محمد بن موسى بن المتوكل (زنده در سال ٣١٠ هـ)
- ٤- احمد بن عبدالعزيز الجوهري (م ٣٢٣ هـ)
- ٥- احمد بن محمد المكي (م ٣٢٢ هـ)
- ٦- احمد بن محمد بن يزيد، مولى بنى هاشم (٣٠٧ هـ)
- ٧- احمد بن عبدالله بن قضاة الصفوانى (ق ٤ هـ)

طبقهٔ دهم:

- ١- عبدالعزيز بن يحيى الجلودى (م ٣٣٢ هـ)
- ٢- احمد بن محمد بن سعيد الهمدانى، معروف به ابن عقدة (م ٣٣٢ هـ)
- ٣- عبدالله بن اسحاق (م ٣٤٩ هـ)
- ٤- محمد بن احمد الصفوانى (م ٣٥٢ هـ)
- ٥- على بن الحسين، معروف به ابوالفرج اصفهانى (م ٣٥٦ هـ)
- ٦- على بن هارون بن على بن يحيى (م ٣٥٢ هـ)
- ٧- على بن ابى سهل، حاتم بن ابى حاتم القزوينى (م ٣٠٥ هـ)
- ٨- عبدالله بن احمد بن طيفور (م ٣٥٢ هـ)

طبقهٔ يازدهم:

- ١- على بن الحسين معروف به شيخ صدوق (م ٣٨١ هـ)
- ٢- هارون بن موسى بن احمد بن ابراهيم بن سعيد، ابو محمد الشيبانى التلعكبرى (م ٣٨٥ هـ)
- ٣- محمد بن عمران بن موسى، معروف به كاتب بغدادى (م ٣٨٤ هـ)
- ٤- محمد بن هارون بن موسى بن احمد التلعكبرى (م ٣٨٥ هـ)
- ٥- محمد بن عبدالله الشيبانى (م ٣٨٧ هـ)
- ٦- خديجة بنت محمد بن احمد بن ابى الثلج (أم الفضل)